

# A Comparative Study of the "Methodological Foundations" of Monotheism and Polytheism in the Theological Views of Maturidiyyah and Deobandiyyah

Mahdi Farmanian \*

(Received on: 2020-10-06; Accepted on: 2021-03-12)

## Abstract

Deobandiyyah is a school that originated from the theological denomination of Maturidiyyah about two centuries ago. The claim of following Maturidi theology is the most important theological feature of Deobandiyyah. However, comparing theological opinions shows that Deobandiyyah took a different view on the issues of monotheism and polytheism. Some of these discrepancies go back to the different methodological foundations of the Deobandis. In response to the question of the extent of Deobandi's evolution, considered in the subject of research, it is concluded that Deobandis are more inclined to the narrative method and emphasize on such issues as prioritizing narrations over reason, delegating the meaning of God's narrative attributes to Him (instead of interpreting them as the Maturidis do) and the certainty of texts (in contrast to the skepticism of texts in Maturidiyyah's view). Some other theological views, for example the emphasis on exaltation in understanding the attributes of God, the negation of *tashbih* (anthropomorphism) and *tatil* (divesting God of His attributes) are quite similar between the Maturidis and the Deobandis in terms of methodological principles. The only difference is that the mentioned issues are summarized in Maturidiyyah and elaborated in Deobandiyyah.

**Keywords:** Deobandiyyah, Methodological Principles, Maturidiyyah, Monotheism, Polytheism.

---

\* Associate Professor, Department of Islamic Denominations, University of Religions and Denominations, Qom, Iran, m.farmanian@chmail.ir.

## بررسی تطبیقی «مبانی روش‌شناسی» توحید و شرک در آرای کلامی ماتریدیه و دیوبندیه

مهدی فرمانیان\*

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۲]

### چکیده

دیوبندیه مدرسه‌ای است که در حدود دو قرن گذشته، از درون مذهب کلامی ماتریدیه برخاسته است. ادعای پیروی از کلام ماتریدیه مهم‌ترین شاخصه کلامی دیوبندیه است؛ اما تطبیق آرای کلامی نشان می‌دهد که دیوبندیه در مباحث توحید و شرک، دیدگاه متفاوتی اختیار کرده‌اند. بخشی از این مغایرت‌ها به مبانی روشی متفاوت دیوبندیان باز می‌گردد. در پاسخ به پرسش از میزان تحول دیوبندیه در موضوع تحقیق، این نتیجه حاصل شد که دیوبندیان بیشتر به روش نقلی‌گرایش داشته و بر تقدم نقل بر عقل، تفویض معنای صفات خبری (به جای تأویل در ماتریدیه) و قطعی‌بودن نصوص (در مقابل ظنی‌بودن نصوص به نگاه ماتریدیه) تأکید دارند. برخی دیگر از آرای کلامی، همچون تأکید بر تنزیه در فهم صفات خدا، نفی تشبیه و نفی تعطیل در معنای صفات الهی، نزد ماتریدیان و دیوبندی‌ها، از جهت مبانی روشی، مطابقت کامل دارد. تنها تفاوت این است که این مباحث در ماتریدیه به‌اجمال و در دیوبندیه به‌تفصیل بیان شده است.

**کلیدواژه‌ها:** دیوبندیه، مبانی روش‌شناسی، ماتریدیه، توحید، شرک.

## مقدمه

سال ۱۸۶۷ مدرسه‌ای با نام دارالعلوم در روستای دیوبند از توابع سهارنپور هندوستان تأسیس شد. بانیان و استادان این مدرسه، در فقه، حنفی مذهب و در عقیده، ماتریدی بودند. اندیشه و عقیده پیروان دیوبندیه در پاره‌ای از مسائل اعتقادی، مغایر و معارض با کلام ماتریدیه است؛ و دانش‌آموختگان مدرسه دیوبند، وفاداری چندانی به آموزه‌های اعتقادی ماتریدیه ندارند. برای دستیابی به نتیجه‌ای علمی و مستند در این باره، باید آرای اعتقادی دیوبندیان و مکتب کلامی ماتریدیه را مقایسه کرد. در تحقیق حاضر به مقایسه و مقارنه روش عالمان دیوبند با مکتب کلامی ماتریدیه در مسئله توحید و شرک می‌پردازیم. نتیجه این مقایسه و بررسی تطبیقی، مشخصاً، از دو احتمال خارج نیست:

۱. تفاوت بنیادین مبانی روشی دیوبندیان با ماتریدی‌ها، به نحوی که دیوبندیه از ماتریدیه فاصله جدی گرفته‌اند و در مبانی روشی‌شان، تحولی عمیق و بنیادین رخ داده است.
۲. اشتراک مبانی روشی دیوبندیان و ماتریدیان و وجود اختلاف‌های صوری، به نحوی که تغییر مواضع، از باب تبیین جدید، صورت گرفته و توجیه معقولی دارد.

## مبانی روش‌شناختی

باید گفت هیچ یک از دو مکتب مذکور، در استفاده از روش عقلی و نقلی، استتکاف ندارند؛ و در آثار مختلف آنها هر دو رویکرد دیده می‌شود؛ اما میزان به‌کارگیری این روش‌ها در استخدام واژگان، اصطلاحات، براهین، استنادات و استشهداها، متفاوت است. در اهمیت بررسی تطبیقی مبانی روش‌شناختی دو مکتب باید گفت حتی اگر مبانی معرفت‌شناسی مکاتب یکسان باشد، الزاماً نتیجه مشابهی در مسائل حاصل نخواهد شد، بلکه روش استفاده از اصول و منابع نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در تحلیل و تبیین موضوعات دارد.

## روش عقلی

عموم ماتریدیان در استدلال‌های خود برای ساخت، تنظیم و دفاع از اندیشه ماتریدیه، مشی عقل‌گرایانه دارند. ابومنصور و اتباع او، روش عقلی را به عنوان یک مبنا پذیرفته و به طور گسترده از آن استفاده کرده‌اند. مثلاً ابومنصور ماتریدی قائل به وجوب عقلی معرفت خدا است (جلالی، ۱۳۸۳: ۵۱۰-۵۱۱). این رویکرد، در آثار ماتریدیان، با استخدام واژگان و اصطلاحات فلسفی، برجسته می‌شود. مثلاً لامشی ماتریدی در ردیه بر تشبیه آورده است:

برای صانع عالم، شبیهی وجود ندارد؛ ... و این مسئله از کلام حضرت حق که «لَیسَ کَمِثْلِهِ شَیْءٌ» (شوری: ۱۱) دریافت می‌شود. عالم مجموعه‌ای از اعراض، جواهر و اجسام است؛ در حالی که خداوند متعال، عرض، جوهر و جسم نیست؛ پس هیچ‌گاه مشابهتی بین آن دو (عالم و خالق عالم) اتفاق نمی‌افتد؛ چراکه مشابهت بین دو شیء، از این جهت که آنها شیء بوده یا موجود هستند و یا عرض و جوهرند روی نمی‌دهد؛ چنان‌که مشابهت بین سیاهی و سفیدی به دلیل شیء بودن، موجود بودن و عرض بودن نیست؛ بلکه بدان دلیل مشابهت بین آنها روی داده که آنها متمائل و متجانس‌اند؛ و این در حالی است که خداوند نه همجنس عالم است و نه جزئی از اجزای عالم؛ چون عرض، جوهر و جسم نیست. به این دلیل هیچ مساواتی بین او و عالم یا بین او و شینی از اجزای عالم برقرار نیست (لامشی، ۱۹۹۵: ۶۱).

در برهان فوق، گرچه به نقل نیز استشهاد شده، اما قالب گفتار، برهانی و بر مبنای استدلال عقلی است؛ همچنان که برجستگی بیان فلسفی در آن کاملاً عیان است. روش عقلی ضمن پرکاربرد بودن در متون کلامی ماتریدیه، نسبت به روش نقلی، رجحان نیز دارد. از آنجایی که مخاطب اول ماتریدیان، معتزله بوده‌اند، لذا بنا به سنخیت روشی، در نقد کلام آنها ترجیحاً و بدواً به دلایل عقلی اشاره می‌کرده‌اند. باید در نظر داشت علی‌رغم ادعای تقابل اولیه نظام کلامی ماتریدیه با مذهب معتزله، مبانی روش‌شناختی اعتزال در رجوع به عقل و رجحان آن، نه تنها در ماتریدیه رد نشده، بلکه از آن به طور وسیعی استفاده شده و سعی شده به صورتی مستدل از عقاید دفاع شود (جلالی، ۱۳۹۰: ۳۳۱-۳۳۲). این مطلب در بیان برخی بزرگان تأیید شده است (أمین، بی‌تا: ۹۱/۲؛ ابن‌ابی‌عذبه، ۱۴۱۶: ۴؛ کوثری، در: بزدوی، ۱۳۸۳: ۷؛ شیخ‌زاده، بی‌تا: ۲۲؛ ابوزهرة، ۱۹۹۶: ۱۶۷ و ۱۸۱).

این روش عقلی در میان عموم بزرگان ماتریدیه نیز به همین وسعت به کار گرفته شده است. نجم‌الدین نسفی در بحث اثبات وجود خدا و توحید، از روش عقلی و اصطلاحات فلاسفه، به طور گسترده استفاده کرده است (نسفی، ۱۴۰۸: ۴۷-۳۹، ۵۰، ۵۳-۵۲). ابوالبرکات نسفی نیز مشی مشابهی در استخدام مصطلحات فلسفی از قبیل جوهر، عرض، جسم، حدوث و ... دارد (نسفی، ۱۴۳۴: ۹۶، ۹۹، ۱۰۱-۱۰۳). ابومعین نسفی نیز همین رویکرد را برگزیده و این روش، در کتاب‌های به‌جای‌مانده از او، که شرحی بر آثار ابومنصور ماتریدی است، به‌کرات به چشم می‌خورد (نسفی، ۱۳۸۵: ۲۴-۳۰). بیاضی، دیگر اندیشمند ماتریدی هم به وجوب معرفت خدا با استدلال اشاره کرده است (بیاضی، بی‌تا: ۵۷، ۷۵، ۸۴).

یکی از پیامدهای عقل‌محوری در اندیشه کلامی ماتریدیسه، روش تنزیهی آنهاست. اصولاً آنچه سبب اتخاذ رویکرد تنزیهی و ترک تشبیه از سوی ماتریدیان شده، نگاه عقلانی به معنای صفات الاهی است. ابومنصور در اندیشه خود تنزیهی است و هر آنچه را مستلزم تجسیم و تشبیه خدا یا نقص و امکان در ساحت او باشد، به دلیل عقلی، مردود می‌شمرد. این نگاه مبنایی او در باب اسما و صفات الاهی، در توحید هم رسوخ داشته و همواره آن را به گونه‌ای تفسیر می‌کند که مستلزم تشبیه و تجسیم نباشد (جلالی، ۱۳۸۳: ۵۲۴). در اندیشه ماتریدیسه، هر نصی که موهم تشبیه باشد، رد می‌شود. سایر ماتریدیان نیز همانند ابومنصور، رویکردی کاملاً تنزیهی دارند و اطلاق هر گونه صفتی را که مستلزم تشبیه یا جسمیت و جسمانیت باشد بر خدا جایز نمی‌دانند.

دیوبندیه در مقام نظر، روش عقلی را پذیرفته و هیچ ابایی از آن ندارند؛ گویی مؤسسان این مکتب خود دروس سنتی دینی از جمله منطق و فلسفه را گذرانده بودند و با روش فلسفی کلامی، کاملاً آشنایی داشتند. از مولوی قاسم نانوتوی (مؤسس دیوبندیه) به عنوان فیلسوفی از فلاسفه اسلامی که دارای اسلوب مبتکرانه‌ای در فلسفه جدید بوده یاد شده که روش فلسفی‌اش در تألیفاتش نمایان است (نانوتوی، ۱۴۳۲ الف: ۲۳-۲۴). او ذیل عنوان «التوحید فی ضوء العقل» به شناخت حقیقی معبود توسط عقل سلیم و اعتراف عقل به وحدانیت او اشاره می‌کند. استفاده از واژگان فلسفی مانند «الموجود»، «حادثة لا قديمة»، «صنع ذاته» و ... قرینه‌ای بر روش عقلی او در مطرح کردن مباحث توحید و شرک است (نانوتوی، ۱۴۳۲ ب: ۴۶، ۱۰۵-۱۰۶). تهانوی که نزد دیوبندیان به «حکیم امت» مشهور است، نیز از روش عقلی و اصطلاحات فلسفی استفاده کرده است. اوج به‌کارگیری این روش عقلانی او، در کتاب الاسلام والعقلانية وی نمودار است (تهانوی، ۱۴۳۲: ۵۲-۷۱، ۱۲۲-۱۳۷). البته تنوع و کثرت استخدام واژگان، آن‌گونه که در کلام ماتریدیسه موجود بود، در آثار دیوبندیان دیده نمی‌شود. با این وصف، روش نقلی برای دیوبندیان حجیت داشته و نسبت به روش عقلی، رجحان دارد.

### تقدم عقل بر نقل

مبنا، پایه و آغازگر منظومه اعتقادی در نگاه ماتریدیسه، عقل بوده است. صراحت ابومنصور در تألیفاتش گواهی بر این مسئله است (ماتریدی، بی‌تا: ۴-۶). در عبارتی از او آمده است: «اصل آن است که در علم به خداوند متعال، راهی جز دلالت و تعقل عالم بر خداوند نیست؛ و برای اثبات معرفت به خدا باید از راه حواس و گواهی نقل، قطع نظر کرد» (همان: ۱۲۹). به عبارت دیگر، به نظر

وی، راه حواس و حتی نقل، در اثبات اصل معرفت به خدا، در آغاز دینداری راه‌گشا نیست؛ بلکه در بدو امر، فقط می‌توان به قوت عقل اعتماد کرد؛ چراکه حتی گواهی نقل، مترتب بر اثبات از طریق عقل، و منوط به اثبات مبدأ صدور نقل است.

از دیگر عبارات ماتریدی که: «إن العلم بالله وبأمره عرض لا یدرک إلا بالاستدلال؛ علم به خداوند و به امر او، عرضی است که جز با استدلال درک نمی‌شود» (همان: ۱۳۷)؛ «أی بالمعرفة الاستدلالية القائمة على النظر العقلي؛ به عبارت دیگر، معرفت استدلالی که قائم بر نگاه عقلی است» (لهیبی، ۲۰۰۰: ۱۴۱) حجیت تام و مرجح راه عقل، به روشنی کشف می‌شود.

دلیل دیگر در اثبات باور ماتریدیان، آن است که گفته‌اند اگر خداوند متعال پیامبری مبعوث نمی‌فرمود، بر انسان‌ها واجب و ضروری بود که به شناخت وجود خدا، یکتایی او و صفاتی که به آن متصف شده است، دست یابند (بزدوی، ۱۳۸۳: ۲۰۷-۲۰۹؛ بیاضی‌زاده، ۱۴۲۸: ۷۵، ۷۶، ۷۸، ۸۴، ۸۹؛ شیخ‌زاده، بی‌تا: ۳۵). این دست‌یافتن نیز جز با تکیه بر توانایی انسان، یعنی عقل، میسر نیست. این مبنا در بحث توحید، به مطرح‌کردن بحث «نیکی اثبات توحید پیش از اشاره شرع» منجر شده است، به نحوی که در چنین مباحث در کتب کلامی ماتریدیه نیز ابتدا به دلایل عقلی و سپس به شواهد نقل اشاره شده است.

با این توضیح روشن می‌شود که اعتنانکردن به شرعیات، که برخی سلفی‌ها برای تخریب ماتریدیان به آنها نسبت داده‌اند (سلفی افغانی، ۱۴۱۹: ۸/۲) نادرست است؛ زیرا ماتریدیان در حقیقت، به تقدم رتبی ابزار عقل بر نقل قائل‌اند؛ و منتقدان ماتریدیه صرفاً به منظور مخالفت با این روش، به عقاید ماتریدیان حمله می‌کنند.

برخلاف ماتریدیه، در کتاب‌های دیوبندیه، به جای دلایل عقلی مفصل، بیشتر آیات و احادیث، به عنوان دلیل، ذکر شده است؛ لذا نوع اولویت‌بندی روشی (عقلی یا نقلی) از دیگر تمایزهای دو مکتب محل بحث است. ملاعلی قاری، از ماتریدیان متأخر که آثارش محل توجه دیوبندیان است، معتقد است حتی اگر عقل به مسائلی دست یابد، مادامی که عقاید از کتاب و سنت برنیاید، یافته عقل ارزشی ندارد (قاری، ۱۴۱۷: ۴۱؛ علی‌زاده موسوی، ۱۳۹۲: ۳۹).

## روش نقلی

علی‌رغم آنکه ماتریدیان در مطرح‌کردن مباحث خود، از جمله توحید و شرک، نگاهی غالباً عقلی دارند، اما بنا به موضوع، از دلایل نقلی (قرآن و روایات) نیز بهره برده‌اند. وجود تفاسیر مختلف

ماتریدی، استشهاد به نقل و تفسیر عبارت مُثَبِّت توحید و نافی شرک در بسیاری از آیات، گواهی بر این مدعا است (ماتریدی، ۱۴۰۴؛ سمرقندی، ۱۴۱۸: ۱-۳؛ نسفی، ۱۳۷۶). در مقابل، رویکرد دیوبندیه در تبیین مباحث کلامی، به‌ویژه در توحید و شرک، از جهت‌گیری عقلی فاصله گرفته و به تمایلات حدیثی نزدیک شده است. کاهش استفاده از مصطلحات فلسفی و محدودبودن استدلال‌های عقلانی مبسوط (همانند ماتریدیه) از قراین این تغییر روش است. این اقبال دیوبندی‌ها به حدیث‌گرایی را سلفی‌ها نیز تحسین کرده‌اند (سلفی افغانی، ۱۴۱۹: ۱۵۳/۱-۱۵۴-۱۶۴-۱۶۵). ملاعلی قاری، به عنوان یکی از متکلمان تأثیرگذار بر اندیشه دیوبندیه، می‌گوید:

العقائد يجب أن تؤخذ من الشرع الذي هو الأصل وإن كانت مما يستقل فيه العقل وإلا فعلم إثبات الصانع و علمه و قدرته لا تتوقف من حيث ذاتها على الكتاب والسنة ولكنها تتوقف عليهما من حيث الاعتداد بهما؛ لأن هذه المباحث إذا لم يعتبر مطابقتها للكتاب والسنة كانت بمنزلة العلم الإلهي للفلاسفة، فحينئذ لا عبرة بها على ما ذكره المحققون؛ لازم است عقاید از شرع (نقل) که اصل است گرفته شود؛ هرچند عقل مستقلاً به آن دست یابد؛ در غیر این صورت آگاهی از اثبات صانع و علم و قدرت او به خودی خود به کتاب و سنت تکیه نخواهد داشت؛ در حالی که عقاید از باب استناد، متوقف بر قرآن و سنت است. اگر در این مباحث، مطابقت با کتاب و سنت لحاظ و اعتبار نشود، آگاهی‌های (عقلی به دست آمده) همانند «علم الاهی نزد فلاسفه» خواهد شد؛ در این صورت، اعتباری ندارد؛ چنان‌که محققان هم گفته‌اند (قاری، ۱۴۱۷: ۴۱).

این بیان نه تنها تأکیدی بر روش نقلی دیوبندی‌ها، بلکه دلیلی بر فقدان اعتنای کافی به روش عقلی نیز هست، تا جایی که اعتبار یافته عقل، منوط به مطابقت با منابع شرعی شده است؛ در حالی که این موضع، نسبت به اثبات حجیت نقل (به‌ویژه در بدو شکل‌گیری عقاید)، خودشکن خواهد بود. با این حال، می‌توان دریافت که در کلام دیوبندیه، هم توجه به کار بست نقل، گسترش یافته و هم بر عقل برتری ویژه‌ای پیدا کرده است.

به عنوان نمونه‌ای دیگر، یکی از موضوعات پرکاربرد روشی، توجه به براهین اثبات توحید است که می‌تواند گواه نوع روش و مبانی به‌کاررفته در کلام مدرسه دیوبندیه و تطبیق آن با مکتب ماتریدیه باشد. ماتریدیان برای اثبات توحید، هم به دلایل نقلی از آیات و روایات، هم به اجماع مسلمانان (ماتریدی، بی‌تا: ۱۹) و هم به ادله عقلی همچون برهان «تمانع» (همان: ۲۰، ۲۱ و ۱۴۰؛ نسفی، ۱۹۹۰: ۳۵/۱، ۳۶-۳۷؛ بیاضی، ۱۴۲۸: ۹۷)، «حدوث» (نسفی، ۱۴۲۶: ۳۵؛ بزدوی، ۱۳۸۳: ۱۹-۲۰؛ نسفی، ۱۴۰۸:

۳۹-۴۷ و ۵۲-۵۳؛ نسفی، ۱۴۳۴: ۹۶-۹۹)، «تناهی عالم، پیوستگی عالم و دقت و نظم در مخلوقات» (ماتریدی، بی تا: ۲۳، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۳۸، ۱۳۹؛ نسفی، ۱۹۹۰: ۷۱/۱؛ نسفی، ۱۳۸۵: ۸-۱۱) تمسک کرده‌اند.

دیوبندی‌ها، در طرق اثبات توحید به روش عقلی، سخن جدیدی نسبت به ماتریدیه نداشته و مشی قدما را به صورت کلی پذیرفته‌اند؛ هرچند دقیقاً به همان براهین استناد نکرده‌اند؛ چنان‌که ترتیب بحث مناظره از نگاه نانوتوی چنین است که نخست باید درباره ذات باری تعالی گفت‌وگو شود که آیا وجود دارد یا خیر. اگر وجود دارد معلوم شود که یکی است یا متعدد. سپس درباره صفات باری تعالی سخن گفته شود و اینکه صفات مخصوص ذات باری تعالی کدام‌اند؟ و چه صفاتی در ذات باری وجود دارد و از چه صفاتی پاک و مبرّأ است. سپس درباره تجلیات ذات باری تعالی گفت‌وگو شود (احسن گیلانی، ۱۳۸۴: ۵۸). همچنین، تهانوی کتابی با نام الاسلام والعقلانیة تألیف کرده که در بخشی از این کتاب، به اثبات واجب‌الوجود از طریق براهین عقلی پرداخته است. وی ذیل عنوان «الدلیل العقلی یتبث به الواجب والممتنع والممکن» می‌گوید دلایل بر دو قسم‌اند: عقلی و نقلی؛ و دلیل عقلی به «یقین» حکم می‌کند (تهانوی، ۱۴۳۲: ۵۲). با این حال، از اصطلاحاتی مانند برهان تمناع، حدوث و ... استفاده نکرده است. تفاسیر دیوبندی ذیل آیاتی همچون «لو کان فیهما آلهة الا الله لفسدتا» (انبیاء: ۲۲) از به‌کاربردن «تمناع» پرهیز کرده‌اند (عثمانی، ۱۳۸۹: ۴۸۳/۲؛ عثمانی مظهري، بی تا: ۴۶۸/۴؛ کشمیری، ۱۴۱۹: ۳۲۹/۴).

چه‌بسا تلقی دیوبندیه از توسعه‌ندادن دلایل، این بوده که بیان براهین جدید، نقش مؤثری در اصلاحات دینی ندارد؛ به‌علاوه دیوبندیان در اصلاحات خود بیشتر به حدیث‌گرایی تمایل پیدا کرده‌اند؛ و مطرح‌نکردن براهین نو که عموماً دارای ویژگی عقلانیت است، از سوی آنان، دور از انتظار نیست. کم‌حجم‌بودن مباحث و استدلال‌های عقلانی نسبت به استشهادهای نقلی، در آثار مکتوب دیوبندیان مشهود است. به نظر می‌رسد با توجه به سیر تاریخی تفاسیر، نگاه بزرگان دیوبندی به تدریج از محوریت عقل در کلام ماتریدیه فاصله گرفته و انگیزه‌های عقلانی برای دفاع برهانی و تفسیر مبتنی بر دلایل عقل‌پسند، با گرایش حدیثی جایگزین شده است.

دیوبندیان در موضوع اثبات توحید، به روش نقلی، توجه بسیار دارند. تهانوی همچون ماتریدیان، به تصریحات آیات درباره توحید استناد کرده و ضمن اثبات توحید، به مذمت منکران اشاره کرده است (تهانوی، ۱۴۳۲: ۳۳۸)، چنان‌که ملاعلی قاری نیز به همین استدلال (آیاتی که تصریح به اثبات توحید دارند) اشاره کرده است (قاری، ۱۴۳۲: ۱۱).

تهانوی جایگاه نقل را در اثبات توحید، آنچنان ویژه می‌داند که می‌گوید: «علی أن عقیده



التوحید لا تتحقق إلا بتعليم النبي؛ لان المراد بالتوحيد هو التوحيد الصحيح المعترف في الشريعة و هو ذلك التوحيد الذي لفته النبي؛ حيث إن التوحيد تدعيه جميع الديانات في العالم؛ همانا عقیده توحید، جز به تعلیم پیامبر تحقق نمی‌یابد؛ چراکه مراد از توحید، توحید صحیحی است که در شریعت معتبر باشد و آن توحیدی است که پیامبر القاکننده آن است؛ آنچنان که همه ادیان عالم به توحید دعوت کرده‌اند». او دعوت مشترک همه پیامبران را نشانه‌ای برای تعلیمی بودن توحید قلمداد کرده است؛ در حالی که اشتراک دعوت و تأکید دعوت همه پیامبران، نشان از اهمیت فوق‌العاده موضوع توحید دارد، نه آنکه در پناه نقل از پیامبر، راهی چون عقل مخدوش شود. وی سپس توضیح می‌دهد اینکه توحید قضیه‌ای عقلی است، معنایش این است که فقط به اجمال به فهم توحید راه دارد. او می‌گوید: «أن مجرد التوحيد في درجة غاية الاجمال عقلية؛ كما أن وجود الباري عقلي؛ توحيد در مرتبه نهایت اجمال، عقلی است؛ آنچنان که وجود باری تعالی عقلی است!». آنگاه ادامه می‌دهد: «پس توحید در درجه اجمال، عقلی است و هیچ‌کس به تفصیل، شرح و بیان ذات حق تعالی و صفات او جز از طریق وحی و نبوت نمی‌رسد» (تهانوی، ۱۴۳۲: ۳۳۹-۳۴۰).

### معنای صفات خبری

از دیدگاه کلامی ابومنصور ماتریدی در باب توحید به دست می‌آید که روش او تنزیه در ظاهر و باطن است؛ با این حال قائل به تعطیل معنای صفات نیست، بلکه به تأویل و به‌ندرت، به تفویض صفات قائل است (جلالی، ۱۳۸۳: ۵۱). به نگاه او، اصل آن است که آنچه خداوند از اشیا و مفاهیم به خودش نسبت داده، مانند «مجی، اتیان، استواء و...»، حقیقتاً موجب نمی‌شود نسبت عادی بین اجسام، در اینجا هم محقق شود (ماتریدی، ۱۴۰۴: ۴۳۶). این بیان ابومنصور که نسبت دادن صفات خبری را در معنای عادی و ظاهری ملازم با جسمانیت لحاظ نکرده و لذا آن معنا را مانع توحید ندانسته، خود یکی از مباحث مهم در دیدگاه کلامی ماتریدی است.

ابومنصور ماتریدی تمام صفات خبری (غیر از رؤیت) را که به نحوی مستلزم تشبیه یا تجسیم باشد، تأویل برده یا تفویض می‌کند (جلالی، ۱۳۸۳: ۵۲۷). با این حال، ماتریدیان در برخی صفات خاص (مانند بی‌مکانی و بی‌جهتی)، به دلیل احتمال وجود معنایی غیر از تأویل بیان‌شده، نظری تفویضی دارند؛ و در این میان، فقط صفت «رؤیت» را (به عنوان یک استثنا) در معنای ظاهری می‌پذیرند (همو، ۱۳۹۰: ۲۴۴-۲۴۶). ابومنصور درباره رؤیت، ضمن پذیرش قطعی تحقق آن، تأکید می‌کند که باید رؤیت خدا را از جهات تشبیهی و جسمانی پیراست (همان: ۲۴۶). او به جهت

استشهاد نقل، قائل به حجیت معنای ظاهری صفت رؤیت است و آن را تأویل یا تفویض نمی‌کند؛ و فقط بر جنبه تنزیهی عقیده خود تأکید می‌کند و البته این رؤیت را غیرمشابه با مخلوقات می‌داند. به عبارت دیگر، مشی کلی او حتی در معنای صفات خبری، حتی صفت رؤیت، نپذیرفتن معنای ظاهری و ملازم با مخلوقات است.

ابومنصور در معنای آیه «الرحمن علی العرش استوی» (طه: ۵) از لفظ «تأویل» استفاده کرده و برخی معانی همچون استیلا را برای آن ذکر می‌کند. ابومعین نسفی نیز درباره این آیه، قائل به تأویل است (نسفی، ۱۹۹۰: ۱۸۳/۱-۱۸۷). وی تأویل برخی آیات را که ظاهرشان بر مکان و جهت اشاره دارد لازم می‌داند و بر تنزیه صفات خدا تأکید می‌کند (جلالی، ۱۳۹۰: ۲۴۴-۲۴۵). او در کتاب بحر الکلام ضمن مطرح کردن بحث مبسوطی، به صفات خبری اشاره کرده، معانی محتمل تأویلی آنها را ذکر می‌کند. مختصر سخنش این است که استناد به ظاهر صفات، جایز نیست (نسفی، ۱۴۲۶: ۴۵-۵۶).

بیاضی، دیگر اندیشمند ماتریدی، نیز قائل به تأویل صفات خبری است (بیاضی، ۱۴۲۸: ۱۸۶). نجم‌الدین نسفی نیز به تأویل صفات خبری نظر داده است (نسفی، ۱۴۰۸: ۶۷-۶۸). ابوالبرکات نسفی گام را فراتر گذاشته و حتی اطلاق صفات خبری را بدون تأویل، جایز نمی‌داند (نسفی، ۱۴۳۴: ۱۶۱). ابوحفص نسفی آیه «الرحمن علی العرش استوی» (طه: ۵) را تأویل می‌برد و از «استوی» به پادشاهی یاد می‌کند (نسفی، ۱۳۷۶: ۵۸۷/۱). عبارت‌های مختلف از ماتریدیان که همه آنها بر تأویلی بودن صفات خبری تأکید داشت، نشان از رویه‌ای پذیرفته شده نزد ماتریدیه است.

در کنار تنزیه حداکثری، ابومنصور ماتریدی با تأکید بر تنزیه خداوند و با تمسک به آیه «لیس کمثله شیء» (شوری: ۱۱) معانی برخی از صفات خبری را به دست تفویض می‌سپرد و احتمال وجود معانی دیگری را که مراد باری تعالی بوده جایز می‌داند (ماتریدی، بی‌تا: ۷۴) و اقرار می‌کند که در غیر این صورت، اغلب، به اغلاط و ابهام در معنا به نحوی که عاجز از درک می‌شویم، مبتلا خواهیم شد (همو، ۱۴۰۴: ۴). شاید به همین دلیل، برخی از ماتریدیان همچون ابومعین نسفی به تأویل معنای ظاهری این صفات اکتفا کرده (نسفی، ۲۰۱۳: ۷۷-۷۸) و بیش از آن را به واجد و واضع آن صفات در خبر واگذاشته است؛ چنان‌که ابومنصور نیز مکان داشتن خدا را با عقل سازگار نمی‌بیند و آن را نشانه حاجت و نیاز می‌داند که خدا از آن منزّه است و در تفسیر آیه، سرانجام قائل به تفویض می‌شود (ماتریدی، بی‌تا: ۴۴).

دیدگاه دیوبندیه و ماتریدیه اشتراک‌ها و تفاوت‌هایی دارد. سهارنپوری با نگاهی تفویضی، درباره آیه «الرحمن علی العرش استوی» (طه: ۵) و امثال آن می‌گوید ما به آن ایمان می‌آوریم و

درباره کیفیت آن سخن نمی‌گوییم. سپس می‌گویید این رأی قدمای ما است و کلام متأخران که به تأویل آیه پرداخته‌اند، از باب فهم قاصران اشکالی ندارد (سهارنپوری، ۱۹۸۳: ۴۷-۴۸). وی (احتمالاً بر همین مبنا) می‌گوید خداوند از صفات مخلوقات و از نقص، حدوث، جهت، مکان و ... منزّه است؛ با این حال، تأویل به استیلا، قدرت و ... را می‌پذیرد (همان: ۴۸). از نظرگاه وی، اصل در معنای صفات خبری، تفویض آنها است و تأویل فقط گاهی، و برای آموزش به نافع‌ها جایز است. شیخ حسین احمد مدنی به منظور مقابله با تفکر وهابیت (که معنای ظاهری صفات خبری را می‌پذیرند)، توقف از تجسیم یا تأویل را پیشنهاد می‌کند (سید طالب الرحمن، ۱۴۱۵: ۲۴۲). او درباره «الرحمن علی العرش استوی» (طه: ۵) می‌گوید به آن ایمان داریم ولی درباره کیفیت آن سخن نمی‌گوییم (قاری، ۱۴۱۷: ۹۵). دیوبندی‌ها در بحث کیفیت (غیر از معنای) صفات الاهی، مشی ابن تیمیه و اتباع او را دنبال می‌کند و معتقد است کیفیت تفوق و استواء حق تعالی بر عالم، به علم بنده دانسته نمی‌شود (جسر طرابلسی، ۱۳۷۳: ۲). ملاعلی قاری، به عنوان الگوی اندیشه‌ورزی دیوبندیان، با رویکردی تفویضی درباره این‌گونه صفات، از سخن مشهور مالک بن انس درباره استواء تمجید می‌کند و سایر صفات خبری را هم «بلاکیف» می‌داند (قاری، ۱۴۱۷: ۹۱-۹۶).

دیوبندیان در مجموع، قائل به تفویض معانی صفات خبری به خداوند متعال هستند و اصولاً تأویل را نمی‌پذیرند. عبارات دیگر دیوبندیان هم معنای تفویض مطلق را به ذهن متبادر می‌کند. تهانوی می‌گوید:

خداوند متعال از صفات مخلوق پاک است و آنچه در قرآن و حدیث در این مورد آمده، معنا و مفهومی به خدا سپرده شود که از حقیقت آن باخبر است و ما بدون تحقیق و علم، همین‌طور ایمان می‌آوریم و یقین می‌کنیم که هر چه مفهومی باشد درست و صحیح است (تهانوی، ۱۳۸۶: ۳۱/۱).

بررسی تفاسیر دیوبندی نیز تفویضی بودن صفات خبری و بی‌توجهی به تأویل را نشان می‌دهد. تفسیر مظهري از آیه «الرحمن علی العرش استوی» (طه: ۵) بیانی ظاهری از ارتباط زمین و آسمان است (عثمانی مظهري، بی‌تا: ۵۵/۱). همچنین، در تفسیر آیه ۳ سوره یونس، با وجود اشاره به معانی تأویلی، از پذیرش آنها ابا می‌کند و ایمان به آیه و تفویض علم آن به خدا و پرهیز از بحث درباره آن را توصیه می‌کند؛ آنگاه به کلام مالک بن انس استناد می‌کند و می‌گوید: «کلام سلف صالح، از روش تأویل ابا دارد؛ بلکه آنچه نزد آنها پذیرفته شده بود، ایمان به این آیات و تفویض علم آن به خداوند متعال و پرهیز از بحث درباره آنها است» (همان: ۳۹۷/۳). این توجه به سلف و کنارگذاشتن

نحوه نگاه ماتریدیان مطلب مهمی است که نشانه‌ای صریح از فاصله‌گرفتن دیوبندیه از تفکرات ماتریدان در مستندسازی مدعیات است.

شبیر احمد عثمانی نیز تفسیری ظاهری از آیه مطرح می‌کند و می‌گوید: «در باب عرش، از نصوص این قدر ثابت است که پایه‌ها دارد و فرشتگان حامل آن و بالای آسمان‌ها مانند قبه موجود است» (عثمانی، ۱۳۸۹: ۴۳۹/۲). همو درباره «استوی علی العرش» می‌گوید:

غایت استوی، حصول قدرت، تسلط، اقتدار و نفوذ کامل بر پادشاهی است. در خدا جل جلاله این حقیقت و غایت به درجه کمال موجود است. یعنی پس از آفرینش آسمان‌ها و زمین و تمام علویات و سفلیات، حتی قبضه و اقتدار و هر نوع تصرفات مالکانه و شهنشاهانه بدون مزاحمت دیگر حضرت او را است. راجع به مبدأ صورت ظاهری «استوی علی العرش» باید عقیده نمود چنین نشود که در آن یک ذره شائبه از صفات مخلوق و سمات حدوث باشد (همان: ۵۹۹/۱).

با این حال، شبیر احمد عثمانی درباره «صفات خبری» نگاهی مبتنی بر تنزیه دارد و می‌گوید: «این الفاظ هنگامی که نسبت به خدا استعمال شود یقیناً مراد از آن کیفیات جسمانی نیست که خاصه مخلوق باشد؛ چراکه خداوند قدوس به کلی از آن منزه است» (همان: ۵۹۸). در این عبارت کوتاه، طیفی از معانی مختلف یک صفت خبری، از معنای ظاهری تا تأویل و تنزیه، دیده می‌شود. شبیر احمد عثمانی درباره «رؤیت» می‌گوید باید معتقد شد که مبدأ «ابصار» (دیدن) در ذات اقدس وی موجود است و نتیجه‌اش، یعنی علمی که از رؤیت بصری حاصل می‌شود، به درجه کمال در او حاصل است و در چگونگی مبدأ و کیفیت دیدن وی جز اینکه بگوییم دیدن خدا جل جلاله مانند دیدن مخلوق نیست چیزی نمی‌توانیم بگوییم (همان).

دیوبندیان در معنای صفات خبری و غیر آن، از شیوه ماتریدیه عدول کرده و می‌گویند ما به آیات قرآن ایمان داریم، ولی کیفیت بعضی از صفات همچون «الرحمن علی العرش استوی» (طه: ۵)، و «ید الله فوق أیدیهم» (فتح: ۱۰) را نمی‌دانیم. خداوند را منزّه از صفات مخلوقات می‌دانیم و نقص و حدوثی برای وی قائل نیستیم؛ و به تأویلاتی همچون «بد به معنای قدرت»، «استواء به معنای استیلاء» برای تقریب اذهان قاصران، ایرادی وارد نمی‌دانیم (سهارنبوری، ۱۹۸۳: ۴۸). این انعطاف در پذیرش کم‌رنگ تأویل، نه از باب حجیت معنا، بلکه برای فهم مستضعفان در دین پذیرفته شده است.

### ظنی بودن نصوص

ماتریدیه به ظنی بودن معنای نصوص درباره اسماء خداوند متعال (ماتریدی، بی‌تا: ۷۰-۷۲) و دیوبندیه عموماً به قطعی بودن معانی آنها معتقدند. این مسئله را می‌توان از توابع مباحث گذشته در تقدم عقل بر نقل ماتریدیان و توجه تام به نقل نسبت به عقل در نگاه دیوبندیان دانست. بنا به آنچه در باب تحلیل صفات خبری نزد ماتریدیه و دیوبندیه نیز بیان شد، ماتریدیه در مواجهه با این صفات، اغلب قائل به تأویل اند و در برخی صفات خاص قائل به تفویض هستند. این نگاه، ناشی از مبنای ظنی بودن نصوص نزد آنها است؛ به این معنا که ماتریدیه در هنگام تعارض ادله عقلی با نصوص نقلی (همچون صفات خبری) به جهت ظنی دانستن نصوص و با تکیه بر تنزیه خداوند متعال، از رأی قطعی عقل، دفاع می‌کنند و چون عقل به نفی جسمانیت خدا حکم کرده، هر گونه معنای ظاهری منافی این حکم را رد می‌کنند و به تأویل نص قائل می‌شوند. در مقابل، دیوبندیه بنا به قطعی دانستن نصوص، اصولاً تأویل را نمی‌پذیرند و بر معنای ظاهری یا تفویض معنا تأکید می‌کنند؛ و نظر عقل را به نفع نص، وامی‌نهند.

نوع انتقاد افرادی همچون شمس سلفی افغانی از عقاید ماتریدیان (در حالی که بارها از اندیشه دیوبندیان حمایت و تمجید کرده و همواره کوشیده است بین ماتریدی‌ها و دیوبندی‌ها تمایز اساسی و جدی قائل شود) در باب توحید، مؤید مبانی ماتریدیه در مواجهه با صفات خبری و حفظ معنای توحیدی آنها است. شمس سلفی می‌کوشد مهم‌ترین مبانی ماتریدیه درباره توحید اسماء و صفات را باطل، و فساد آنها را ثابت کند. او دلایل خود را برای اثبات ناصواب بودن عقیده ماتریدیه این‌چنین بیان می‌کند:

۱. ماتریدیه قائل است که ظواهر نصوص در بیان صفات، توهم تشبیه را به دنبال می‌آورد؛
۲. ماتریدیه قائل است که نصوص بیان‌کننده صفات، ظنی هستند و عقیده‌ای به واسطه آنها ثابت نمی‌شود (سلفی افغانی، ۱۴۱۹: ۵۰۵/۱).

نتیجه آنکه تفاوت نگاه مبانی در این موضوع (ظنی یا قطعی بودن نصوص)، منجر به شکل‌گیری دو مواجهه متفاوت در ماتریدیه و دیوبندیه شده است. به واسطه قول به ظنی بودن نصوص در صفات خبری، ماتریدیه مبنای تأویل را پذیرفته‌اند (ماتریدی، بی‌تا: ۵۳-۵۸)؛ و به دلیل باور به قطعی بودن نصوص، از جمله در صفات خبری، دیوبندیه به تفویض معنای صفات خبری قائل شده‌اند (سید طالب الرحمن، ۱۴۱۵: ۲۴۱-۲۴۳).

## نتیجه

ماتریديه و ديوبنديه در پذيرش اصل حجيت عقل و نقل هم‌نظرند؛ با اين حال، در به‌کارگيري روش عقلي، ماتريديه اعتنای بيشتري به آن داشته‌اند اما ديوبنديه عقل را در رتبه اول حجيت قرار نداده‌اند و توجه اکثري خود را به نقل معطوف کرده‌اند. ديوبنديه در مباحثي همچون معنا و تحليل توحيد، اثبات توحيد، نسبت ذات و صفات (عينيت يا غيريت)، معنای صفات خبري و ... رويکردي نقلی داشته و در آثار خود، کمتر از روش عقلي استفاده کرده‌اند؛ حال آنکه ماتريديان به طور گسترده از اصطلاحات فلسفي، روش‌ها و براهين عقلي استفاده کرده‌اند. اينکه ديوبنديان روش تلفيقي ماتريدي اشعري اختيار کرده‌اند نشان از عدول از عقل‌گرایی ماتريديه و تمايل به حديث‌گرایی اشعري دارد. با اين حال، هر دو مذهب در اتخاذ روش تنزيهي، ترک تشبيه، تعطيل و شرک، با يکديگر اتفاق نظر دارند. درباره صفات خبري، ماتريديه به تأويل حداکثري و تفويض حداقلي قائل‌اند؛ در حالی که ديوبنديه اصولاً تأويل را کاشف از معنای حقيقي نمی‌دانند و اغلب تفويض را توصيه می‌کنند. تنها استثنایي که ديوبنديه تأويل را در خصوص معنای صفات خبري، مجاز دانسته، تقريب به ذهن معنا برای قاصران است. ماتريديه، به‌جد قائل به تقدم عقل بر نقل است؛ در حالی که ديوبنديه، پذيرش هر گونه یافته عقلي را مشروط به تأييد نقل می‌داند و بر طريق رجحان نقل بر عقل مشي می‌کند. ديگر تفاوت مبنایي در روش‌شناسی توحيد و شرک، دلالت نصوص نقلی است که ماتريديه اين حجيت را ظني دانسته و ديوبنديان آن را قطعی می‌دانند. در مبنای روشی ماتريديه، عقل، هم به سبب پوشش ادله و هم به سبب اولويت، کاربرد وسيع‌تری یافته است؛ با اين حال، از به‌کارگيري و تأييد ادله نقلی غفلت نشده است. در برابر اين دیدگاه، ديوبنديه، هم به ترجيح روش نقلی باور دارد و هم به سبب کثرت و به سبب تقدم، از روش نقلی بيش از روش عقلي استفاده می‌کند. در استفاده از روش تنزيهي، هر دو مکتب قائل به محوري بودن اين نگاه در اندیشه کلامی هستند و در مسائل مختلف بر آن تأکيد دارند؛ اما با اين حال نوع مواجهه با صفات خبري در دو مکتب متفاوت بوده، از تأويل حداکثري در ماتريديه تا تفويض حداکثري در ديوبنديه متغير است. شايد بتوان دليل اين تغيير را تقابل ماتريديه با معتزله (که روشی عقلي و فلسفي داشتند) از يک سو و تلاش ديوبنديه برای مبارزه با شرک و بدعت، بر مبنای احیای حديث در عصر حاضر و تأثير پذيري از اندیشه‌های ابن‌تيميه، از ديگر سو، دانست.

بررسی تطبیقی «مبانی روش‌شناسی» توحید و شرک در ... / ۲۱

### جدول تطبیق «مبانی روش‌شناسی» ماتریدیه و دیوبندیه در توحید و شرک

#### جدول شماره ۱: مطابقت‌ها

نوع	عنوان	ردیف	توضیح
مبانی	روش‌شناسی	۱	استفاده از روش عقلی
		۲	روش تنزیهی (به روش عقلی)
		۳	پرداختن به توحید و شرک با روش نقلی

#### جدول شماره ۲: مغایرت‌ها

نکته: نشانه‌های نفی و اثبات در جدول، گویای دلالت غالبی و اکثری (و نه مطلق) در میان متکلمان دو مکتب است.

نوع مغایرت	عنوان مغایرت	ردیف	مصادیق	نظر ماتریدیه	نظر دیوبندیه
مبانی	روش‌شناسی	۱	استفاده از روش عقلی	تفصیل	اجمال
		۲	ترجیح عقل بر نقل	√	×
		۳	تأویل	√	×
		۴	ترجیح روش نقلی	×	√
		۵	دلالت نصوص	ظنی	قطعی

## منابع

قرآن کریم.

ابن أبی عذبة، حسن بن عبد الحسن (١٤١٦). الروضة البهية فيما بين الأشاعرة والماتريدية، تحقيق و تقديم: د. على فريد دحروج، بيروت: دار سبيل الرشاد.

ابو زهره، محمد (١٩٩٦). تاريخ المذاهب الاسلامية في السياسة والعقائد و تاريخ المذاهب الفقهية، قاهره: دار الفكر العربي.

احسن گيلاني، سيد مناظر (١٣٨٤). سيرى در زندگى حضرت امام مولوى محمد قاسم نانوتوى، ترجمه: صلاح الدين شهنوازى (ترجمه و تلخيص كتاب ٣ جلدى سوانح قاسمى)، زاهدان: صديقى.

أمين، أحمد (بى تا). ظهر الاسلام: يبحث فى الحياة الاجتماعية والحركات العلمية والادبية والفرق الدينية فى العصر العباسى الثانى، بى جا: دار الكتاب العربى.

بَزْدَوِى، ابو اليسر محمد بن محمد بن عبد الكريم (١٩٦٣/١٣٨٣). اصول الدين، حققه و قدم له: هانز بيترلنيس، قاهرة: دار احياء الكتب العربية.

بياضى، كمال الدين أحمد بن القاضى (بى تا). الأصول المنيفة للإمام أبى حنيفة، قَدَم له و ضبطه و وضع حواشيه: محمد عبد الرحمن الشاغول، مقدمه: محمد زاهد الكوثرى، و يليه: إشارات المرام من عبارات الامام، حققه: يوسف عبد الرزاق، مصر: المكتبة الأزهرية للتراث.

بياضى زاده، كمال الدين أحمد (٢٠٠٧/١٤٢٨). إشارات المرام من عبارات الامام أبى حنيفة التَّعمان فى أصول الدين، خَرَجَ أحاديثه و وضع حواشيه: أحمد فريد المزيدي، بيروت: دار الكتب العلمية.

تهانوى، أشرف على (٢٠١١/١٤٣٢). الاسلام والعقلانية، تعريب: نور عالم خليل الأمينى، الهند: أكاديمية شيخ الهند الجامعة الاسلامية دار العلوم ديوبند.

تهانوى، اشرف على (١٣٨٦). زيور بهشت، ترجمه: محمدامين حسين بُر، تربت جام: احمد جام، ج ١. جسر الطرابلسى، حسين بن محمد (١٣٧٣). مختصر من كتاب الحصون الحميدية للمحافظة على العقائد الاسلامية، تهذيب: نجم الدين محمد الدرکانى، زاهدان: صديقى.

جلالى، سيد لطف الله (١٣٨٣). «پژوهشى در باب ماتريديه»، در: معرفت، ش ٧٨، ص ٩٦-١١٠.

جلالى، سيد لطف الله (١٣٩٠). تاريخ و عقايد ماتريديه، قم: دانشگاه اديان و مذاهب، چاپ دوم.

زبيدى، مرتضى (١٤٠٩). اتحاف السادة المتقين بشرح اسرار احياء علوم الدين، بيروت: دار الكتب العلمية، ج ٢.

سلفى الافغانى، شمس (١٤١٩). عداة الماتريديه للعقيدة السلفية: الماتريديه و موقفهم من توحيد الاسماء والصفات الالهية، طائف: مكتبة الصديق، ج ١-٢.



سمرقندی، نصر بن محمد (۱۹۹۷/۱۴۱۸). تفسیر السمرقندی: المسمى بحر العلوم، بیروت: دار الفکر، ج ۱-۳.  
سهارنپوری، خلیل احمد (۱۹۸۳). المهندس على المفند یعنی عقائد علماء اهل سنت دیوبند، باضافة عقائد اهل السنة والجماعة، از سید عبدالشکور ترندی، لاهور: المطبعة العربية.  
سید طالب الرحمن، أبی أسامة (۱۹۹۵/۱۴۱۵). الدیوبندیة: تعریفها، عقائدھا، هدبہ و زاد فیہ: أبو حسان الأنصاری، پاکستان: دار الكتاب والسنة.

شیخ‌زاده، عبدالرحیم بن علی (بی‌تا). نظم الفرائد و جمع الفوائد فی بیان المسائل، بی‌جا: بی‌نا.  
عثمانی المظھری، محمد ثناء‌الله (بی‌تا). تفسیر المظھری، وضع حواشیه: إبراهیم شمس‌الدین، محلہ جنگی پیشاور: مکتبہ فریدیہ، ج ۱-۶.

عثمانی، شبیر احمد (۱۳۸۹). تفسیر کابلی: از دیدگاه اهل سنت، ترجمه و تفسیر: محمود حسن دیوبندی، پیشاور: المکتبۃ الحقیانیة، ج ۱-۳.

علی‌زاده موسوی، سید مهدی (۱۳۹۲). مکتب دیوبند و جنبش جماعت تبلیغ، قم: پاد اندیشه.  
القاری، علی بن محمد (۱۴۳۲). ضوء المعالی شرح بدء الأمالی، تحقیق و تعلیق: خلدون علی زین‌الدین، بی‌جا: دار البیروتی.

قاری، ملاعلی (۱۴۱۷). شرح الفقه الاکبر، تحقیق: مروان محمد الشعار، بیروت: دار النفائس.  
کشمیری الهندی، محمد أنورشاه (۱۹۹۸/۱۴۱۹). مجموعة رسائل کشمیری، مشکات القرآن، پاکستان: المجلس العلمی، الطبعة الثالثة ج ۴.

لامشی الحنفی الماتریدی، ابو الثناء محمود بن زید (۱۹۹۵). التمهيد القواعد التوحيد، حققه: عبدالمجید ترکی، بیروت: دار القرب الاسلامی.

لهیبی الحربی، احمد بن عوض‌الله بن داخل (۲۰۰۰). الماتریدیہ دراسة و تقویما، ریاض: دار الصمیعی.  
ماتریدی السمرقندی الحنفی، ابی منصور محمد بن محمد بن محمود (۱۴۰۴). تأویلات اهل السنة، حققه و راجعه: محمد مستفیض الرحمن، بغداد: مطبعة الارشاد.

ماتریدی، ابی منصور (بی‌تا). التوحيد، حققه و قدم له: فتح‌الله خلیف، اسکندریه: دار الجامعات المصریة، دار الجامعات المحمدیة.

ملا موسی میبلی، علی (۱۳۹۴). دیوبندیہ، زیر نظر: مهدی فرمانیان، قم: دار الاعلام لمدرسة اهل البيت (علیهم‌السلام).  
نانوتوی، محمد قاسم (۱۴۳۲ الف). ردود علی اعتراضات موجهة الی الاسلام، تعریب: محمدساجد قاسمی، دیوبند: اکادیمیة شیخ‌الهند، الجامعة الاسلامیة دار العلوم.

نانوتوی، محمد قاسم (۲۰۱۱/۱۴۳۲ ب). محاورات فی الدین، تعریب: محمد ساجد القاسمی، الہند: اکادیمیة شیخ‌الہند الجامعة الاسلامیة دار العلوم دیوبند، در: [www.darululoom-deoband.com](http://www.darululoom-deoband.com).

- نسفی، ابو البركات عبد الله بن احمد بن محمود (٢٠١٣/١٤٣٤). عمدة العقائد، دراسة و تحقيق: عبد الله محمد عبد الله اسماعيل، القاهرة: المكتبة الأزهرية للتراث، الجزيرة للنشر والتوزيع.
- نسفی، ابو معين ميمون بن محمد (١٣٨٥). تمهيد في اصول الدين (التمهيد لقواعد التوحيد)، تحقيق: محمد عبد الرحمن الشاغل الشافعي الأشعري، قاهرة: الأزهرية للتراث.
- نسفی، ابو معين ميمون بن محمد (١٩٩٠). تبصرة الادلة في اصول الدين على طريق الامام ابي منصور الماتريدي، محقق: سلامه، كلود، بي جا: بي نا.
- نسفی، ابو معين ميمون بن محمد بن مكحول (٢٠٠٥/١٤٢٦). بحر الكلام: يبحث في بعض الفرق الاسلامية والرد عليها من الكتاب السنة، بيروت: دار الكتب العلمية.
- نسفی، ابو حفص نجم الدين عمر بن محمد (١٣٧٦). تفسير نسفی، تصحيح: عزيز الله جويني، تهران: سروش، ج ١-٢.
- نسفی، نجم الدين (١٩٨٨/١٤٠٨). شرح النسفية في العقيدة الاسلامية، عبد الملك الرحمن السعدی، بغداد: دار مكتبة الأنبار.

## References

The Holy Quran.

Abu Zohreh, Mohammad. 1996. *Tarikh al-Mazaheb al-Islamiyyah fi al-Siyasah wa al-Aghaed wa Tarikh al-Mazaheb al-Feghhiyyah (History of Islamic Schools of Thought in Politics, Theology and History of Jurisprudential Denominations)*, Cairo: Arabic Thought House. [in Arabic]

Ahsan Gilani, Seyyed Monazer. 2005. *Seyri dar Zendegi Hazrat Imam Molawi Mohammad Ghasem Nanutawi (A look at the Life of Imam Molawi Mohammad Ghasem Nanutawi)*, Translated by Salah al-Din Shahnawazi (Translation and Summary of the 3-volume Book of Sawaneh Ghasemi), Zahedan: Seddighi. [in Farsi]

Al-Ghari, Ali ibn Mohammad. 2011. *Zaw al-Maali Sharh Bad al-Amali*, Researched by Khaldun Ali Zeyn al-Din, n.p: Al-Biruni House. [in Arabic]

Alizadeh Musawi, Seyyed Mahdi. 2013. *Maktab Deoband wa Jonbesh Jamaat Tabligh (Deoband School and Propaganda Congregation Movement)*, Qom: Pad Thought. [in Farsi]

Amin, Ahmad. n.d. *Zahr al-Islam: Yabhath fi al-Hayat al-Ejtemaiyyah wa al-Harakat al-Elmiyyah wa al-Adabiyyah wa al-Feragh al-Diniyyah fi al-Asr al-Abbasi al-Thani (Emergence of Islam: It Examines Social Life, Scientific and Literary Movements, and Religious Sects in the Second Abbasid Era)*, n.p: Arabic Book House. [in Arabic]

Bayazi, Kamal al-Din Ahmad ibn al-ghazi. n.d. *Al-Osul al-Monifah le al-Imam Abi Hanifah (Premium Principles of Imam Abu Hanifah)*, Annotated by Mohammad Abd al-Rahman al-Shaghul, Foreworded Mohammad Zahed al-Kothari, Followed by *Esharat al-Maram men Ebarat al-Imam*, Researched by Yusof Abd al-Razzagh, Egypt: Al-Azhari Heritage Press. [in Arabic]

Bayazizadeh, Kamal al-Din Ahmad. 2007. *Esharat al-Maram men Ebarat al-Imam Abi Hanifah al-Noman fi Osul al-Din*, Annotated by Ahmad Farid al-Mazidi, Beirut: Scientific Books House. [in Arabic]

Bazdawi, Abu al-Yosr Mohammad ibn Mohammad ibn Abd al-Karim. 1963. *Osul al-Din (Principles of Religion)*, Researched by Hans Peter Linz, Cairo: Arabic Books Revival House. [in Arabic]

Ghari, Molla Ali. 1996. *Sharh al-Feghh al-Akbar (Explanation of the Greatest Jurisprudence)*, Researched by Marwzn Mohammad al-Shear, Beirut: Al-Nafaes House. [in Arabic]

- Ibn Abi Ozbah, Hasan ibn Abd al-Hasan. 1995. *Al-Rozah al-Bahiyah fima Bayn al-Ashaerah wa al-Maturidiyyah (Lush Garden between the Asharis and the Maturidis)*, Researched by D. Ali Farid Dahruj, Beirut: Sabil al-Rashad House. [in Arabic]
- Jalali, Seyyed Lotfollah. 2004. "Pajuheshi dar Bab Maturidiyyah (Research on Maturidiyyah)", in: *Knowledge*, no. 78, pp. 96-110. [in Farsi]
- Jalali, Seyyed Lotfollah. 2011. *Tarikh wa Aghaed Maturidiyyah (History and Beliefs of Maturidiyyah)*, Qom: University of Religions and Denominations, Second Edition.
- Jesr al-Terablosi, Hoseyn ibn Mohammad. 1994. *Mokhtasar men Ketab al-Hosun al-Hamidiyyah le al-Mohafazah ala al-Aghaed al-Islamiyyah (Summary of the Book Praised Castles for the Protection of Islamic Beliefs)*, Edited by Najm al-Din Mohammad al-Darkani, Zahedan: Seddighi. [in Arabic]
- Keshmiri al-Hendi, Mohammad Anwar Shah. 1998. *Majmuah Rasael al-Kashmiri, Meshkat al-Quran (Collection of Kashmiri's Treatises, Niche of the Quran)*, Pakistan: Scientific Council, Third Edition, vol. 4. [in Arabic]
- Lahibi al-Harbi, Ahmad ibn Ewazollah ibn Dakhel. 2000. *Al-Maturidiyyah: Derasatan wa Taghwiman (Maturidiyyah: Studies & Chronology)*, Riyadh: Al-Sami'i Institute. [in Arabic]
- Lamashi al-Hanafi al-Maturidi, Abu al-Thana Mahmud ibn Zayd. 1995. *Al-Tamhid al-Ghawaed al-Tawhid (Prelude to the Rules of Monotheism)*, Researched by Abd al-Majid Torki, Beirut: Islamic West House. [in Arabic]
- Maturidi al-Samarghandi al-Hanafi, Abu Mansur Mohammad ibn Mohammad ibn Mahmud. 1983. *Tawilat Ahl al-Sunnah (Esoteric Interpretations of the Sunnis)*, Researched by Mohammad Mostafiz al-Rahman, Baghdad: Guidance Press. [in Arabic]
- Maturidi, Abu Mansur. n.d. *Al-Tawhid (Monotheism)*, Researched by Fathollah Khalif, Alexandria: Egyptian Universities Press, Mohammadiyyah Universities Press. [in Arabic]
- Molla Musa Meybodi, Ali. 2015. *Deobandiyyah*, Supervised by Mahdi Farmanian, Qom: Media House of Ahl al-Bayt School. [in Arabic]
- Nanautavi, Mohammad Ghasem. 2011 a. *Rodud ala Eterazat Mowajjahah ela al-Islam (Responses to the Objections Directed to Islam)*, Translated by Mohammad Sajed Ghasemi, Deoband: Academy of Sheikh al-Hend, Islamic University, Sciences House. [in Arabic]

- Nanautavi, Mohammad Ghasem. 2011 b. *Mohawerat fi al-Din (Discussions on Religion)*, Translated by Mohammad Sajed al-Ghasemi, India: Academy of Sheikh al-Hend, Islamic University, Sciences House of Deoband, at: www.darululoom-deoband.com.
- Nasafi, Abu al-Barakat Abdollah ibn Ahmad ibn Mahmud. 2013. *Omdah al-Aghaed (Main Beliefs)*, Researched by Abdollah Mohammad Abdollah Ismail, Cairo: Al-Azhari Heritage Press, Al-Jazeera for Publishing and Distribution. [in Arabic]
- Nasafi, Abu Hafs Najm al-Din Omar ibn Mohammad. 1997. *Tafsir Nasafi (Nasafi's Commentary)*, Edited by Azizollah Joweyni, Tehran: Soroush, vols. 1-2. [in Arabic]
- Nasafi, Abu Moin Meymun ibn Mohammad ibn Makhul. 2005. *Bahr al-Kalam: Yabath fi Baz al-Feragh al-Islamiyyah wa al-Radd alayha men al-Ketab wa al-Sunnah (Ocean of Speech: A Study of Some Islamic Sects and Responses to Them from the Quran and Tradition)*, Beirut: Scientific Books House. [in Arabic]
- Nasafi, Abu Moin Meymun ibn Mohammad. 1965. *Tamhid fi Osul al-Din, al-Tamhid le Ghawaed al-Tawhid (Introduction to the Principles of Religion, Prelude to the Rules of Monotheism)*, Researched by Mohammad Abd al-Rahman al-Shaghul al-Shafei al-Ashari, Cairo: Al-Azhari Heritage. [in Arabic]
- Nasafi, Abu Moin Meymun ibn Mohammad. 1990. *Tabserah al-Adellah fi Osul al-Din ala Tarigh al-Imam Abi Mansur al-Maturidi (Commentary of the Principles of Religion based on the Discipline of Imam Abu Mansur al-Maturidi)*, Researched by Kelud Salamah, n.p: n.pub. [in Arabic]
- Nasafi, Najm al-Din. 1988. *Sharh al-Nasafiyyah fi al-Aghidah al-Islamiyyah (Description of Nasafiyyah in the Islamic Belief)*, Abd al-Malek al-Rahman al-Sadi, Baghdad: Al-Anbar Press. [in Arabic]
- Othmani al-Mozheri, Mohammad Thanaollah. n.d. *Tafsir al-Mozheri (Al-Mozheri's Commentary)*, Annotated by Ibrahim Shams al-Din, War Quarter of Peshawar: Faridiyyah Press, vols. 1-6.
- Othmani, Shobayr Ahmad. 1969. *Tafsir Kaboli: Az Didgah Ahl Sunnat (Kaboli's Commentary: From the Sunni Perspective)*, Translated by Mahmud Hasan Deobandi, Peshawar: Al-Haghghaniyyah Press, vols. 1-3.
- Saharanpuri, Khalil Ahmad. 1983. *Al-Mohannad ala al-Mofannad Yani Aghaed Olama Ahl Sunnat Deoband, be Ezafah Aghaed Ahl al-Sunnah wa al-Jamaah (Al-Mohannad over al-Mofannad i.e. The Beliefs of the Sunni Scholars of Deoband, with the Addition of the Sunni Beliefs)*, Prepared by Seyyed Abd al-Shakur Tarandi, Lahore: Arabic Publication. [in Arabic]

- Salafi al-Afghani, Shams. 1998. *Ada al-Maturidiyyah le al-Aghidah al-Salafiyyah: Al-Maturidiyyah wa Mawghefehem men Tawhid al-Asma wa al-Sefat al-Elahiyyah (The Hostility of the Maturidis to the Salafi Belief: Maturidis and Their Position on the Unification of Divine Names and Attributes)*, Taif: Al-Seddigh Press, vol. 1-2. [in Arabic]
- Samarghandi, Nasr ibn Mohammad. 1997. *Tafsir al-Samarghandi: al-Mosamma Bahr al-Olum (Samarghandi's Commentary Entitled Sea of Sciences)*, Beirut: Thought Institute, vols. 1-3. [in Arabic]
- Seyyed Taleb al-Rahman, Abu Osameh. 1995. *Al-Deobandiyyah: Tarifoah, Aghedoha (Deobandiyyah: Definition and Beliefs)*, Edited by Abu Hassan al-Ansari, Pakistan: House of the Quran and the Sunnah. [in Arabic]
- Sheikhzadeh, Abd al-Rahim ibn Ali. n.d. *Nazm al-Faraed wa Jam al-Fawaed fi Bayan al-Masael (Organizing the Gems and Collecting the Benefits in the Statement of Issues)*, n.p: n.pub. [in Arabic]
- Tahanawi, Ashraf Ali. 2007. *Ziwar Behesht (Paradise Ornament)*, Translated by Mohammad Amin Hoseynbor, Torbat Jam: Ahmad Jam, vol. 1. [in Farsi]
- Tahanawi, Ashraf Ali. 2011. *Al-Islam wa al-Aghlaniyyah (Islam and Rationality)*, Translated by Nur Alem Khalil al-Amini, India: Academy of Sheikh al-Hend, Islamic University, Sciences House of Deoband. [in Arabic]
- Zobeydi, Morteza. 1988. *Ettehaf al-Sadah al-Mottaghin be Sharh Asrar Ehya Olum al-Din*, Beirut: Scientific Books House, vol. 2. [in Arabic]